



اندیشکده فرهنگ و توسعه

یادداشت



نویسنده: مری دی. لوئیس

منبع انتشار: هیستورینز

تاریخ انتشار: مارس ۲۰۲۶

چه چیزهایی از تغییر تصاویر تاریخی
می‌توان در مورد تاریخ به ما آموخت؟



انجمن تاریخ آمریکا (AHA) در کتاب «اصول راهنمای هوش مصنوعی در آموزش تاریخ» که در آگوست ۲۰۲۵ منتشر شد، با تأمل در مورد چالش‌های پیش روی آموزش تاریخ توسط هوش مصنوعی مولد گزارش داد. در میان بینش‌های فراوان آن، آمده است: هوش مصنوعی می‌تواند شبیه‌سازی‌هایی تولید کند که «بازسازی‌های معتبری از گذشته را نشان نمی‌دهند» بلکه «ساختگی‌هایی مبتنی بر الگوهای آماری» هستند. کاملاً با این تحلیل موافقم، اما از نمودار پیوست که نشان می‌داد دانش‌آموزان می‌توانند «از هوش مصنوعی مولد بخواهند یک تصویر تاریخی برای یک مقاله یا ارائه تولید کند» شگفت‌زده شدم. از تناقض‌آمیز بودن مفهوم «تولید یک تصویر تاریخی» شوکه شدم. هوش مصنوعی نمی‌تواند تصاویر تاریخی تولید کند، فقط شبیه‌سازی‌هایی از آنها را تولید می‌کند.

به جای «تولید یک تصویر تاریخی»، که غیرتاریخی خواهد بود، می‌خواهم دانش‌آموزان در مورد تاریخی بودن تصاویر تاریخی واقعی فکر کنند و در مورد اینکه چقدر آسان می‌توان آنها را دستکاری کرد، تأمل کنند. با توجه به تغییر تصاویری که در رسانه‌های اجتماعی دیده بودم، در یک دوره سخنرانی پاییز ۲۰۲۴ تکلیفی برای دانش‌آموزان تعیین کردم که به آنها آموزش می‌داد یک تصویر تاریخی واقعی را اصلاح کنند و سپس در مورد اینکه چگونه دستکاری آن بر درک آنها از تصویر اصلی تأثیر گذاشته است، تأمل کنند.

این دوره در مورد تاریخ مدرن فرانسه بود و تکلیف از آنها خواسته شده بود که یک پوستر از ماه مه ۱۹۶۸ را «به‌روزرسانی» کنند. در سال ۱۹۶۸، سرکوب اعتراضات دانشجویی به اعتصابات همدردی با کارگران کمک کرد که در نهایت کشور را در یک اعتصاب عمومی با حضور حدود ۱۰ میلیون اعتصاب‌کننده به حالت تعلیق درآورد. برای من مهم بود که دانشجویان پوسترهای واقعی را ببینند و درک درستی از زحمتی که برای تولید آنها کشیده شده بود، داشته باشند، بنابراین از مجموعه اعتراضات لودلو-سانتو دومینگو در ماه مه ۱۹۶۸ پاریس در کتابخانه هاوتون دانشگاه هاروارد بازدید کردیم. ما ده‌ها پوستر تولید شده توسط دانشجویان اکول دو بو را بررسی کردیم. مانند رسانه‌های اجتماعی امروزی، پوسترها تفسیر سیاسی را در زمان واقعی ارائه می‌دادند - با سرعتی کندتر از آنچه می‌توان به صورت الکترونیکی منتشر کرد، اما با توجه به روش‌های تولید آن روز، با سرعتی چشمگیر. پوسترها که به صورت شبانه‌روزی تولید و در ساعات اولیه هر صبح بر روی دیوارهای شهر نصب می‌شدند، هر روز تفسیر تازه‌ای به پارسی‌ها ارائه می‌دادند.

از آنجایی که می‌دانستم دانش‌آموزان در ماه مه ۱۹۶۸ آگاهانه تصاویر را با تغییر شرایط تغییر می‌دادند، به این فکر افتادم: چه می‌شد اگر دانش‌آموزان من تصاویر را تغییر می‌دادند؟ در بخش تکلیف از دانش‌آموزان خواسته شده بود که از یکی از پوسترهایی که دیده بودیم عکس بگیرند و آن را با تفسیری معاصر که با طنین این اثر هنری تاریخی در زمان حال همخوانی داشته باشد، «به‌روزرسانی» کنند. بخشی از متن تکلیف چنین بود: همزمان با تولید پوستر به‌روز شده‌تان، از شما می‌خواهیم که با بررسی سال ۱۹۶۸ از یک دیدگاه به‌روز شده (حدود دهه ۲۰۲۰) در نظر بگیرید که چه طنین‌های احتمالی سال ۱۹۶۸ ممکن است از قلم افتاده باشند. به عبارت دیگر، آیا نگاه کردن به آن از این منظر، تصویر را از بافت خارج می‌کند؟ به چه طریقی؟ خطرات انجام این کار چیست؟ برعکس، به‌روزرسانی تصویر چه چیزی را به شما نشان می‌دهد که مورخانی که در برهه‌ای از زمان کار می‌کردند، ممکن است سال ۱۹۶۸ را به طور کامل از دست داده باشند؟

یک کارگاه آموزشی در آزمایشگاه یادگیری هاروارد به دانشجویان نحوه استفاده از نرم‌افزارهای تصویری مانند Adobe Illustrator، Canva، Procreate و Pixlr را آموزش داد. برخی از دانشجویان همچنین یاد گرفتند که چاپ آنالوگ انجام دهند، همانطور که همتایانشان در سال ۱۹۶۸ این کار را می‌کردند. دانشجویان در صورت تمایل اجازه داشتند از ابزارهای هوش مصنوعی استفاده کنند، با یک شرط: کسانی که این کار را انجام می‌دادند، باید سوالات خود را ارسال می‌کردند و یک پاراگراف اضافی می‌نوشتند که در آن به این موضوع می‌پرداختند که چگونه حذف نیروی کار خود از این فرآیند، بر انتقادی که پوستر و به‌روزرسانی آن مطرح می‌کرد، تأثیر گذاشته است. در پاییز ۲۰۲۴، هیچ دانشجویی از فرصت استفاده از ابزارهای هوش مصنوعی استفاده نکرد، اما من انتظار دارم دانشجویان آینده بسیار راحت‌تر از هوش مصنوعی استفاده کنند.



چنین جهانی یادآور جنبش تکنوکراسی دهه ۱۹۳۰ است که توسط پدربزرگ ایلان ماسک، جاشوا ان. هالدمن، رهبری می‌شد و از حکومت مهندسان و دانشمندان حمایت می‌کرد، اما نتوانست توجه زیادی را به خود جلب کند. در نسخه جدید ۲۰۲۳ مارک اندریسن، با عنوان «مانیفست خوش‌بین به فناوری»، این سرمایه‌گذار خطرپذیر استدلال می‌کند که همه مشکلات، چه طبیعی و چه تکنولوژیکی، را می‌توان با فناوری بیشتر حل کرد. این طرز فکر در سال ۲۰۱۸ واکنش شدیدی را برانگیخت که ناشی از قدرت بی‌حد و حصر شرکت‌های فناوری بر داده‌های کاربران و محتوای پلتفرم‌هایشان بود و اعتماد مصرف‌کننده و این توهم را که فناوری بیشتر ناگزیر به پیشرفت منجر می‌شود، از بین برد.

اندریسن «دشمن» پیشرفت را دولت‌گرایی، جمع‌گرایی، برنامه‌ریزی مرکزی و انحصارگرایی می‌داند. این نیز آشناست: سرمایه‌داری بازار آزاد با حداقل مقررات، همان محیطی است که رشد اولیه اینترنت را تقویت کرد. مانیفست اندریسن با جامعه مانند یک برنامه کاربردی خراب رفتار می‌کند: ناقص، اما قابل اصلاح، تا زمانی که توسعه‌دهندگان به ارتقاء مجموعه فناوری ادامه دهند. به طور مشابه، دشمنانی که او شناسایی می‌کند در واقع نتایج پیچیده تاریخ بشر، مبارزات قدرت و ایدئولوژی‌های متضاد هستند. علاوه بر این، آنها نقص‌هایی نیستند که با یک وصله نرم‌افزاری بر آنها غلبه شود. آنها بخشی از شرایط انسانی هستند.

جایی که انسان‌ها در تصویر جای می‌گیرند، زمانی که ماشین‌ها تمام کارهای سنگین را انجام می‌دهند، به وضوح غایب است. طبق این دیدگاه، ماشین‌ها برای مردم فکر می‌کنند، می‌سازند و تصمیم می‌گیرند - نه با آنها. این آینده‌ای از اجماع مهندسی شده است، جایی که سیاست و رضایت حکومت‌شوندگان در کنار عامل انسانی ناپدید می‌شود. جای تعجب نیست که برخی در این صنعت، مانند ساندار پیچای، مدیرعامل گوگل، از ادغام دانشمندان علوم اجتماعی، فیلسوفان و اخلاق‌گرایان در گفتگو حمایت می‌کنند - به ویژه برای یادآوری به دانشمندان داده و سرمایه‌گذاران خطرپذیر سیلیکون ولی که عامل انسانی باید دست نخورده باقی بماند. این بخشی از نرم‌افزار است که باید اصلاح شود.

از آنجایی که جدیدترین دوره آموزشی در فصل انتخابات ریاست جمهوری برگزار شد، بازسازی‌های قابل پیش‌بینی از دوگل به عنوان ترامپ و غیره وجود داشت. اما رویکردهای غیرمنتظره‌تر و پیچیده‌تری نیز وجود داشت که یکی از آنها را در اینجا به اشتراک می‌گذارم تا درک کامل‌تری از نحوه انجام این تکلیف ارائه دهم.

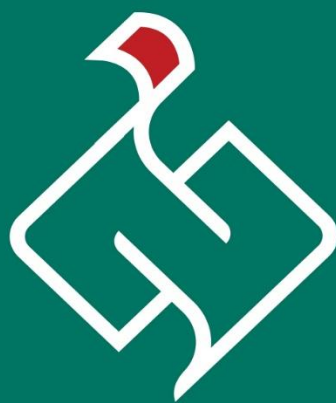
نیکلاس فرومکین، که اکنون دانشجوی سال سوم است، پوستر را با استفاده از Canva و Adobe Illustrator اصلاح کرد. فرومکین در مقاله همراه خود نوشت: پوستر اصلی «گسترده‌ای وسیع از خانه‌های فرانسوی را به تصویر می‌کشد که هر کدام یکسان هستند و آنتن‌های آنها عمداً به شکل صلیب لورن ساخته شده‌اند و برای دریافت امواج رادیویی که اخبار را منتقل می‌کنند، قرار گرفته‌اند.» L'Intox یک اصطلاح عامیانه فرانسوی برای شستشوی مغزی، تبلیغات یا «اخبار جعلی» است و بنابراین عنوان پوستر را می‌توان «تبلیغات به خانه ضربه می‌زند» ترجمه کرد. فرومکین خاطرنشان کرد که صلیب لورن، که زمانی نماد قدرتمند مقاومت گلیست‌ها بود، «اکنون به عنوان نمادی از اعتراض علیه دوگل و کنترل او بر جریان اطلاعات تغییر کاربری داده است.»

به‌روزرسانی فرومکین برای نقد «فراگیر بودن و نفوذ تیک‌تاک» طراحی شده بود. او توضیح داد که هر دو تصویر، «نحوه ارائه اخبار به افراد در مقیاس بزرگ و دستکاری بالقوه اطلاعات توسط منبع» را نقد می‌کنند. اما او همچنین به تفاوت‌های آنها اشاره کرد و استدلال کرد که «قدرت یک رسانه واحد در سال ۱۹۶۸ بسیار مهم‌تر از امروز بود. دلیل این امر این است که انتشار اطلاعات در سال ۱۹۶۸ فقط از طریق چند کانال می‌توانست اتفاق بیفتد» - تضاد آشکاری با چشم‌انداز رسانه‌ای پراکنده امروز. بنابراین، نسخه ۲۰۲۴ با بیننده‌ای بسیار متفاوت صحبت می‌کرد. اما او همچنین خاطرنشان کرد که ترسیم ارتباط بین دستکاری رسانه‌ها در سال ۱۹۶۸ و ۲۰۲۴ نشان می‌دهد که شک و تردید در مورد رسانه‌ها چیز جدیدی نیست. در حالی که نسخه ۱۹۶۸ «به کنترل یکپارچه اطلاعات حمله می‌کرد»، نسخه به‌روز شده خطرات رسانه‌های اجتماعی پراکنده‌تر و حتی - با توجه به «ممنوعیت» قریب‌الوقوع تیک‌تاک - بعد ژئوپلیتیکی را برجسته می‌کند که در نگرانی‌های داخلی تر به تصویر کشیده شده توسط پوستر ۱۹۶۸ غایب بود. من خودم اضافه می‌کنم که پوستر سال ۱۹۶۸ با اشاره‌ای کنایه‌آمیز به تاریخ، سواد تاریخی بیننده را نیز مفروض گرفت: رهبر مقاومت فرانسه در برابر نازیسم (دوگل در نقش صلیب لورن) اکنون به منبعی برای کنترل به سبک اقتدارگرایانه تبدیل شده بود.



انجام این تکلیف برای دانش‌آموزان و نمره دادن به آن برای من سرگرم‌کننده بود. من قصد دارم دوباره از آن استفاده کنم و انتظار دارم که دانش‌آموزان بیشتری در تکرارهای آینده از ابزارهای هوش مصنوعی استفاده کنند. اما مهم‌تر از آن، این تکلیف چندین درس مهم را آموزش داد. این تکلیف بر سهولت دستکاری تصاویر تأکید کرد، درسی که فراتر از کلاس تاریخ است. همچنین به دانش‌آموزان کمک کرد تا تصویر اصلی را در لحظه تولید آن، در مقایسه با بازسازی آن، در بافت خود قرار دهند و به این فکر کنند که با تغییر تصویر، چه زمینه‌ای از دست رفته است.

در نهایت، از دانشجویان خواسته شد تا در مورد آنچه می‌توان از مقایسه‌های تحلیلی در طول زمان به دست آورد، تأمل کنند. برخلاف آنچه در نمودار اصول راهنما پیشنهاد شده است، دانشجویان در این دوره «تصویری تاریخی تولید نکردند». آنها آن را دستکاری کردند. و با تجزیه و تحلیل آن دستکاری، چیزهای بیشتری در مورد تاریخ - و به جرات می‌توانم بگویم در مورد مشکلات شبیه‌سازی - آموختند.



 WWW.CDSTT.IR

 [CDSTT.IR](https://www.instagram.com/cdstt.ir)

 [CDSTT](https://twitter.com/cdstt)